

معلم نمونه

به مناسبت شهادت آیه‌الله مطهری و روز معلم

قسمت اول

استاد شهید مرتضی مطهری

وقتی که فکر کسی بالا آمد مؤذنی برایش طرم می‌شود که قبلاً مطرح نبود. باید شک و تردیدش را رفع کرد و به سوالات و احتیاجات فکریش پاسخ گفت. نمی‌شود به او گفت بزرگوار به حالت خواب، بلکه این خود زمینه مناسی است برای آشنا شدن برهبر با حقایق و معارف انسانی.

مرتضی مطهری



تبریک

روز معلم میلیون‌ها دانش‌آموز با قلبی شایسته و جانی جویای دانایی و خردمندی به مدارس می‌روند و با شاخه‌گلی به نشانه مهر و سپاس، به دیدار معلمان خود می‌شتابند تا تلاش بزرگ آنها را برای ترویج علم و فضیلت سپاس گویند و در عمل نشان دهند که قدر تلاش‌ها را می‌دانند و از همین امروز مصمم‌ند تا فردای بهتری را تحقق بخشند.

آموزگار انسان

آنچه مسلم است، اولین معلم بشریت، خود خداوند است که از پس خلق انسان، راه نیکو زیستن را به او آموخت؛ زشتی‌ها و زیبایی‌ها را به او نمایاند و چراغ خرد را به دست او داد تا درستی پیشه کند. پس از حق تعالی، پیامبران الهی و جانشینان آنانند که برترین آموزگاران انسان محسوب می‌شوند و در طول عمر بشر، زندگی خود را وقف سعادت انسان کردند و کوشیدند تا دست او را گرفته، به سوی سرانجامی نیک رهنمون شوند.

پدر و مادر هم در درجه بعدی تعلیم و تربیت انسان، نقش بسیار حساسی را ایفا می‌کنند و بالاترین الگوی رفتاری فرزندانند که این امر نشان‌دهنده اهمیت جایگاه خانواده در شکل‌گیری شخصیت علمی، فرهنگی و اجتماعی فرزندان است.

پس از والدین، هر کس که چیزی به انسان بیاموزد، به همان میزان معلم آن شخص به شمار می‌رود و هرچه مقدار آموختن از معلمی بیشتر باشد، به همان اندازه نسبت به او تعهد نیز افزایش می‌یابد.

یادبود شهادت استاد شهید مرتضی مطهری

یازدهم اردیبهشت مصادف است با سال روز شهادت استوانه دین و دانش، آیه‌الله استاد مرتضی مطهری رحمه الله؛ او که پاره تن امام بود و حاصل عمرش محسوب می‌شد؛ او که مدافع دین و شریعت بود و کمر همت بسته بود تا کیان اسلام ناب را صیانت کند؛ او که با تکیه بر توانایی‌های علمی، عقیدتی و فلسفی خود از هرگونه شبهه و سؤال در حوزه دین استقبال می‌کرد و این امر را

موجب پویایی و انتشار هرچه بیشتر اسلام می‌دانست. با شمشیر قلم و بیان و با منطق و استدلال، با التقاط و انحرافات شجاعانه های دین ستیزان و معاندان اسلام را به یأس مبدل ساخت و با تقدیم جان، راهش را تداوم بخشید و با خون سرخش پای صفحات مبارزاتش را امضا کرد. او معلمی بود آشنا به علوم اهل بیت علیه السلام که در لحظه لحظه عمر شریفش، معارف ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم از قلم و بیان او تراوش می‌کرد و منتشر می‌شد. از این رو مورد غضب شب پرستان قرار گرفت و در آتش کینه دشمنان عقیده و ایمان سوخت و تشنگان فضایلش را در فراق خود سوزاند. یادش برای همیشه جاودان و پر رهرو باد.

آثار معلم شهید از نگاه امام خمینی (ره)

درباره نوشته‌ها و آثار معلم شهید نظریات فراوان گفته شده و تمجیدهای زیادی شده است. اما جامع‌ترین و محکم‌ترین نظر، فرمایش استاد ایشان، یعنی حضرت امام خمینی رحمه الله است که فرمودند: «آثاری که از او هست، بی‌استثنا همه آثارش خوب است و من کس دیگری را سراغ ندارم که بتوانم بگویم بی‌استثنا آثارش خوب است. ایشان بی‌استثنا آثارش خوب است، انسان ساز است». در سال روز شهادت آن حاصل عمر امام، که به نام زیبایی معلم نام گذاری شده، به روان پاکش درود می‌فرستیم و به همین مناسبت در تجلیل از مقام ارجمند و وظیفه خطیر آنان چند نکته‌ای را گوشزد می‌کنیم.

آمزش برای معلم

خوشا به حال کسانی که بار سنگین ادب و دانش را بر دوش می‌کشند و لذت معنوی آموختن و شکوفا کردن استعدادها و به بار نشاندن انسان‌ها را بر تمام لذت‌های مادی و زودگذر دنیا ترجیح می‌دهند و خشنودند که در مسیر تعلیم و تربیت به تلاش می‌پردازند. در سعادت و نیک‌بختی و عاقبت به خیری آنان همین فرمایش امام صادق علیه السلام بس است که فرمودند: «تمامی جنندگان روی زمین و ماهی‌های دریا و هر کوچک و بزرگ در زمین و آسمان برای

آموزگار خوب طلب
آمزش می کنند».

معلمان و نیاز به فراگیری بیشتر

معلم علاوه بر این که دیگران را آموزش می دهد، خود نیز باید به سطح دانش و آگاهی هایش بیفزاید و به آموختن و گردآوری مطالب جدید همت گمارد تا هم به فضایل خود افزوده باشد و هم تدریس خود را پربارتر کند؛ هرچند که لذت آموختن از لذت تعلیم دادن کم تر نیست.

معلم، الگوی جامعه

معلمان، مربیان و استادان همیشه به عنوان الگوی رفتاری مسلم و قوی مطرح بوده اند. آنان نه تنها خواندن و نوشتن می آموزند، بلکه معلم رفتار و گفتار شاگردان هم هستند و تمام حرکات و سکنات استاد، چه در محیط تعلیم و چه در خارج از آن، زیر نگاه های تیز شاگردان قرار دارد و ناخواسته در عمق جان آنها ریشه می دواند و آثارش در سالیان بعد نمایان می شود. به همین

به انسان برسد، در مقابل، آن شخص احساس دین کرده، در صد بر می آید تا به نوعی آن را جبران کند. چه خیری بالاتر از دانش که از معلم به انسان می رسد و چه دینی بالاتر از دین معلم که باید حق آن را به جا آورد؟ امام سجاد علیه السلام درباره حق معلم بر شاگرد می فرماید: «حق استاد تو این است که در تعلیم و تکریم وی بکوشی و محضر او را بس موقر و محترم شماری و در فراگیری دانش به کلمات و بیانات او به نیکی گوش دهی و با روی گشاده و خوبی آزاده و کامل و در کمال ادب و احترام به محفل و مجلس وی روی آوری و هرگز صدای خویش را بر صدای او بلندتر نسازی».

حق شناسی و قدردانی از معلم

چقدر زیبا است که انسان قدر زحمات دیگران را بداند و خدمات آنان را ارج نهد و بنا به فرمایش قرآن کریم «جزای نیکی جز نیکی نمی تواند باشد». گرچه بسیاری از نیکی ها، از جمله آموختن علم، در این دنیا و به دست انسان ها جبران نمی شوند، ولی سزاوار است که انسان در مقابل احسان دیگران، نهایت سپاس گزاری را داشته باشد. پیشوایان معصوم علیه السلام بارها این زیبایی ها را تذکر داده اند. در روایتی وارد شده است که «عبدالرحمان سلمی به یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام سوره حمد را آموخت. وقتی کودک در حضور پدر سوره حمد را خواند، امام حسین علیه السلام به معلم پاداشی در خور عطا کردند و سپس فرمودند: کجا پاداش مالی من با عطای آموزش این معلم برابری می کند؛ یعنی خدمت تعلیم و آموختن سوره حمد از عطای مالی من ارزنده تر است».

ثواب تعلیم و ارشاد از دیدگاه امام سجاد(ع)

شخصی خدمت امام سجاد علیه السلام عرض کرد: این مرد پدرم را کشته است و من می خواهم او را قصاص کنم. حضرت فرمود: «آیا این مرد تا کنون به تو خدمتی نکرده است که به جای قصاص دیه بگیری؟» گفت: چند روزی به من درس داده و علوم شما اهل بیت علیه السلام را به من آموخته است. ولی این سبب نمی شود که از قصاص منصرف شوم. حضرت فرمود: «چه می گویی؟! ارزش تعلیم و ارشاد از خون بیشتر است». پس از این سخن، آن مرد از قصاص چشم پوشی کرد و قرار شد صد شتر دیه بگیرد. ولی از آن جا که قاتل، توانایی پرداخت آن را نداشت، حضرت فرمود: «آیا خرسند می شوی ثواب هدایت و ارشاد را به من بدهی و در ازایش صد شتر بدهم؟» آن مرد از حق خود گذشت و امام علیه السلام حدیثی به او هدیه کرد.

هنر معلمی

داشتن محبت، اخلاق خوش، علاقه به کار و آگاهی، به تنهایی برای موفقیت معلم کافی نیست؛ بلکه علاوه بر اینها معلم باید هنرمند باشد تا بتواند از داشته های خود استفاده مثبت بکند؛ چرا که روح کودکان و نوجوانان و جوانان بسیار لطیف و شکننده است و کوچک ترین خطایی از طرف معلم، دیوار بلندی می شود برای شاگرد و چه بسا مسیر تحصیل او را تغییر دهد. با این ملاحظات معلمان باید از زودرنجی و کم حوصلگی بپرهیزند و روحیات تک تک شاگردان را شناخته، با حوصله، متانت و سعه صدر برخورد کنند تا نتیجه دل خواه شاگرد و استاد حاصل آید و معلم خشنود و شاگرد رستگار شود.

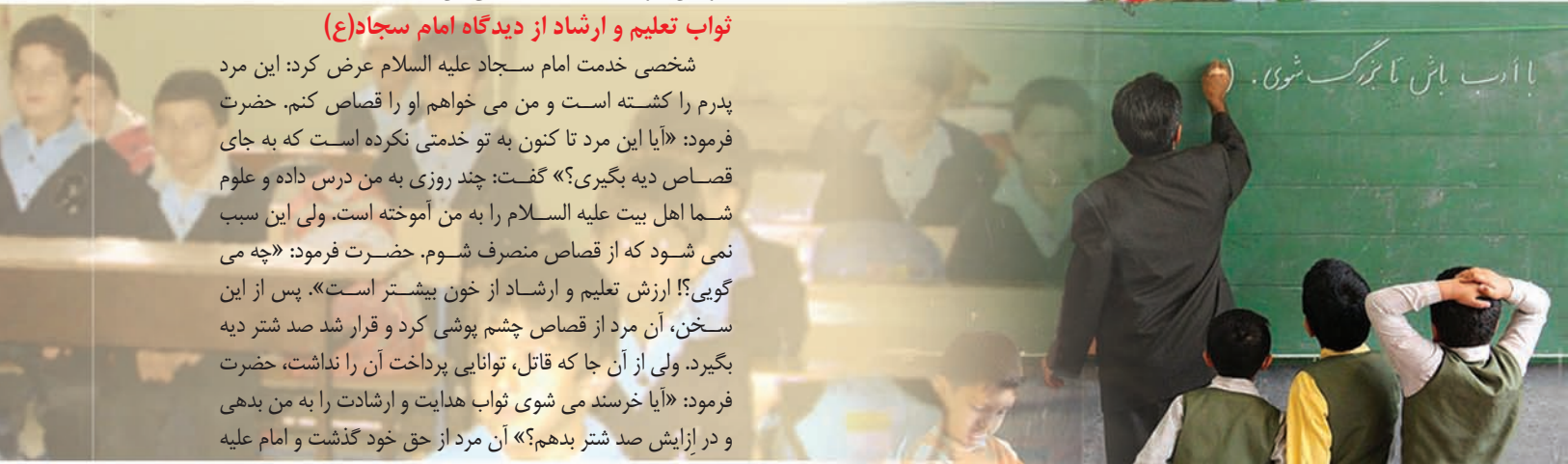
به یاد روزگاران مدرسه

صحبت آموزگاران یاد باد یاد باد آن روزگاران یاد باد

خاطر استادان و مربیان اگر می خواهند الگوهای مناسب و موفقی برای جامعه باشند، ناگزیر باید رفتارهایی متناسب با شأن و منزلت معلمی داشته باشند تا سلامت جامعه را تأمین کنند و از تخریب آن جلوگیری نمایند.

حق معلم بر شاگرد

هر خیری که از دیگران



سوزد تا به دیگران حیات بخشد. چه به جاست که بار دیگر سخن معلم دل سوخته، شهید محمد علی رجایی را بر زبان جاری سازیم که گفتند: «معلمی شغل نیست؛ معلمی عشق است. اگر به عنوان شغل انتخابش کرده ای رهایش کن و اگر عشق توست مبارکت باد».

معلم متعهد

«معلم، او که در ارتقا یا انحطاط یک جامعه، نقشی بس مؤثر دارد، اگر صالح باشد، دنیایی را به صلاح، و اگر فاسد شود عالمی را به فساد سوق می دهد. او که شیوه کار و صفات و روحیات و عواطفش در سازندگی افکار و بنای شخصیت اعتقادی و معنوی متعلمان اثراتی ژرف و جاودانه دارد و هر نقشی را که در برابر اذهان آینه گون آنان قرار دهد، چه زشت و چه زیبا، صورتی پایدار می یابد، باید خود به صفات و ویژگی هایی از ایمان و اخلاق آراسته باشد. آنچه برای قشر مریی و معلم لازم است، دانش و بینشی ژرف، پایبندی به اصول اخلاق و ایمان و اعتقاد به خدا و مذهب است. معلم همه وقت باید به شغل خویش عشق ورزد و مسئولیتش را در قبال وظایفی که اجتماع به او محول می کند، به خوبی احساس نماید. آزاده، نجیب، پاکدل، پرهیزکار، شجاع و اهل تحقیق و مطالعه و نظر باشد.»

تکریم از معلم

«برادری نقل می کرد: روزی برای معالجه پدرم به آلمان رفتم، در یکی از بیمارستان ها، منتظر تشکیل پرونده بودیم. وقتی نوبت به ما رسید، متصدی تشکیل پرونده، پوشه نارنجی رنگی را پیش روی خود قرار داد. در همان اوضاع و احوال که من شدیداً در فکر

چه بسیاریند معلمانی که یا سر بر بالین خاک نهاده و آسوده خفته اند یا بر اثر کهنوت سن و بازنشستگی، خانه نشین شده اند و با کرسی تعلیم و تربیت وداع گفته اند. اما این بدان معنا نیست که عشق خود به مدرسه و دانشگاه و دانش آموزان را از دست داده اند؛ بلکه بالاچار ترک عشق کرده اند. هنوز هم به عشق آن روزگاران نفس می کشند و با یاد آن ایام زنده اند. بباید این پیران عرصه دانش و راه روان کوی معرفت را به نسیم فراموشی نسپاریم و در این روز مقدس، به پاس زحمات چندین و چندساله آنان، با دسته گلی به دیدار آنها برویم یا بر مزار پاکشان فاتحه ای نثار کنیم.

لزوم احترام معلم پس از مرگ

معلم چه زنده باشد و چه از دنیا رفته باشد، بر شاگردان لازم است که احترامش را نگه دارند و حق او را محترم شمارند. نوشته اند: «سیدرضی رحمه الله استاد ادیبی داشت که غیرمسلمان بود و پس از مرگ، او را در قبرستان غیر مسلمانان دفن کردند. مرحوم سید رضی رحمه الله هرگاه از آن قبرستان سواره عبور می کرد، از اسب پیاده شده، تا آخر قبرستان پیاده می رفت. پرسیدند: علت این کار چیست؟ فرمود: معلم من در این قبرستان دفن شده است.»

رفتار معلم شهید

معلم هم حکم پدر را دارد و تکریمش بر شاگردان لازم است. سزاوار است که انسان بالاترین تعظیم ها را در حق معلم خود روا دارد. درباره تکریم استاد از شهید مطهری رحمه الله نقل شده است که وقتی نام استادان خود را می برد، با احترام و تعظیم بسیار زیاد از آنان

هزینه های بیمارستان و معالجه بودم، متصدی، شغل پدرم را پرسید و من با حالت تردید پاسخ دادم: مریض، معلم باز نشست است. پس از پاسخ من بلافاصله پوشه آبی رنگی را به جای پوشه نارنجی قرار داد و گفت: در آلمان، معلمان بدون نوبت و به طور رایگان درمان می شوند.»

مقام معلم از نظر اسکندر

به اسکندر گفتند: چرا معلم خود را بیش از پدر، بزرگ می شماری؟ گفت: زیرا پدر من مرا از عالم ملکوت به زمین آورده و استاد، مرا از زمین به آسمان برده است، یعنی به معرفتم نسبت به عالم هستی افزوده و از خاک جهل به آسمان معرفت پروازم داده است. ادامه دارد

تجلیل می کرد؛ برای مثال وقتی از مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله یاد می کرد، می فرمود: «روحی فداه؛ یعنی جانم فدای او باد».

معلم، امانت دار مردم

معلم امانت دار است و دانش آموزان امانت های او. اما آنان بر خلاف خیلی از امانت ها، کالا نیستند؛ بلکه انسان هایی هستند که جان خود را در اختیار معلم قرار می دهند تا آنها را بهرورد و روشنایی بخشد و از آنان مردان و زنانی راه یافته و کوثر معرفت چشیده بسازد. آری باید این امانت های گران بها را به زحمت پاس داشت.

معلمی عشق است و عاشق می طلبد و معلم سر کلاس درس، مشق عشق می کند و با شور و شوق و شغف و با تمام وجود، آموخته ها و اندوخته هایش را به شاگردان انتقال می دهد و چون شمعی می

اخبار مسجد امام حسین (علیه السلام)

روز شنبه پنجم فروردین ۱۳۹۱ جمعی از معلمین زحمتکش آموزش و پرورش از طرف مسجد امام حسین (ع) به اردو رفتند.

در این اردوی یک روزه صبح ساعت ۷/۳۰ به مقصد العین حرکت کردند و ۲۰/۳۰ شب برگشتند. و از جبل الحفیت دیدن نموده و صبحانه را دور هم صرف کرده از آبگرم استفاده کردند و از بیانات و مسابقاتی که جناب حجة الاسلام والمسلمین رضانی قبول زحمت نموده اجرا کردند استفاده لازم را بردند.

سپس به مدرسه العین مراجعت نموده و نماز را به جماعت اقامه کردند و پس از نماز از نکات اخلاقی امام جماعت بهره مند شدند و بعد از آن دور هم نهار صرف شد و در بعد از ظهر از باغ گلها و باغ وحش تماشای نموده و بسیار لذت بردند.

در ضمن تمام امکانات اردو از صبحانه و نهار و پذیرایی های دیگر از طرف مسجد امام حسین (ع) تدارک دیده شده بود.



مراسم جشن تکلیف دانش آموزان مدرسه سلمان فارسی در مسجد امام حسین (ع) برگزار شد، نماینده مقام معظم رهبری در این مراسم معنوی حاضر شد و از بیانات زیبای خود حضار را بهره مند نمود و پس از تبریک به تازه مکلفین نکاتی ارزشمند در باب تکلیف به دانش آموزان گوشزد نمود.

پس از بیانات حجة الاسلام والمسلمین مدنی نماز جماعت شروع و دانش آموزان نماز را به امامت نماینده مقام معظم رهبری برگزار نمودند. بعد از نماز دانش آموزان با هدایای تقدیر و ظهر میهمان مسجد امام حسین (ع) بودند.



السلام علیک یا بنت ولی الله ویا اخت ولی الله ویا عمّة ولی الله پنجم جمادی الاولی سالروز میلاد عقیده بنی هاشم زینب کبری (س) وروز پرستار گرامی باد.

به همین مناسبت مجلس سخنرانی و جشن و سروری بعد از اقامه نماز جماعت در مسجد امام حسین (ع) بر پا گردید و مداحان و خطیب مجلس به ذکر فضائل بزرگ پرستار تاریخ کربلا پرداخته و از مقام شامخ سپید جامگان عرصه سلامتی «پرستاران خدوم» تقدیر بعمل آوردند.



مراسم جشن و سرور امام حسن عسکری (ع) در شب ولادت با سعادت حضرت با حضور مردم خداجوی و عاشق اهل بیت (ع) بعد از نماز مغرب و عشاء در مسجد امام حسین (ع) برگزار شد و حضار محترم از سخنرانی حجة الاسلام والمسلمین مروی استفاده بردند در این مراسم که نماینده مقام معظم رهبری نیز حضور داشتند مداح اهل بیت به مولودی خوانی پرداخت . هنگام مداحی از حضار پذیرایی شد و پس از مراسم نیز در کنار سفره اهل بیت (ع) به صرف شام پرداختند.

داشتند حجة الاسلام والمسلمین مروی امام جمعه سابق سخنرانی نموده و جناب آقای خلیلی به مداحی پرداختند در پایان در شب جمعه دعای کمیل نیز مثل جمعه های گذشته قرائت و حضار در کنار سفره کریمه اهل بیت (ع) نشستند.

شب جمعه و شب وفات جانسوز کریمه اهل بیت (ع) حضرت فاطمه معصومه (س) دوستداران ائمه (ع) در سوگ بی بی اشک ماتم ریخته و به عزاداری پرداختند در این دو شب که مردم شیفته خاندان رسول گرامی اسلام حضوری گسترده



این لحظات نزدیک به لحظه تحویل سال می شد آقا دعا کردند و بعد همه با دعای یا مقلب القلوب..... آغاز سال جدید را جشن گرفتند.

در ادامه به فرمایشات مقام معظم رهبری گوش و جان سپردند که در این هنگام با پخش شیرینی از حضار پذیرایی شد و بعد از آن همه عید را به هم تبریک گفتند و در پایان همه حضار شرکت کننده در کنار سفره امام حسین (ع) با صرف میوه و صبحانه مراسم را به پایان برده و به منازل خود بازگشتند.

مراسم شروع سال جدید در مسجد امام حسین (ع) با حضور نماینده مقام معظم رهبری و خیل کثیری از مردم جشن گرفته شد.

در این مراسم که ابتدا با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز شده بود با اجرای مسابقه و اهدای جوایز توسط حجة الاسلام والمسلمین رضانی برای حضار ادامه پیدا کرد سپس آقای خلیلی دعای آل یاسین تلاوت کردند و در ادامه شرکت کنندگان در مراسم از بیانات امام جمعه محترم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مدنی استفاده نمودند که



ملی شدن صنعت نفت

قسمت دوم

را پالایش نموده و به صورت فرآورده به خارج صادر می کردند. تعهدات مالی شرکتهای بازرگانی تاسیس شده در دل شرکتهای عضو کنسرسیوم، عبارت بود از یک پرداخت مشخص تحت عنوان حق الارض که شامل کلیه نفت خام صادراتی می شد و مالیات بر درآمدی بود که به نسبت درصدی از منافع حاصل از صدور نفت بر اساس بهای اعلان شده نفت خام به دولت ایران می پرداختند. (این درصد از ۲۳ آبان ماه ۱۳۴۹ به ۵۵ درصد افزایش یافت).

وظایف و اختیارات شرکت ملی نفت ایران تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شرکت ملی نفت ایران کار توزیع و فروش فرآورده های نفتی و گاز طبیعی جهت مصارف داخلی را به عهده داشت. شرکتهای عامل نفت ایران فرآورده های نفتی، گاز طبیعی و نفت خام مورد نیاز برای مصارف داخلی را به شرکت ملی نفت ایران تحویل می دادند.

شرکت ملی نفت ایران همچنین مسئولیت تامین، نگهداری و اداره خدمات پشتیبانی تولید را تحت عنوان «خدمات غیرصنعتی» به عهده داشت که در مقابل «عملیات صنعتی» قرار می گرفت که انحصاراً در اختیار خارجیان بود. تاسیسات ثابت صنعت نفت ایران در این دوره اگرچه متعلق به شرکت ملی نفت ایران بود، اما بر اساس قرارداد، شرکتهای عضو کنسرسیوم حق استفاده انحصاری از آنها را در طول مدت قرارداد داشتند. با آغاز فعالیت کنسرسیوم اگرچه قرارداد قانون ملی شدن نفت اجرا شود اما در عمل دولت ایران و شرکت ملی نفت اختیارات بسیار محدودی داشتند؛ تا مهرماه ۱۳۵۳ اعضای کنسرسیوم بدون دخالت دولت ایران برای تعیین میزان تولید و قیمت نفت که عوامل اصلی تعیین کننده درآمد کشور بودند، تصمیم می گرفتند و دولت ایران در این خصوص هیچ اختیاری نداشت. از سال ۱۳۵۳ و تشکیل شرکت سهامی خاص خدمات نفت ایران (OSCO) تغییرات عمیق و عمده ای در ارتباط با نحوه نظارت و دخالت دولت در کار کنسرسیوم به وجود آمد اما واقعیت این است که تا وقوع انقلاب اسلامی، مالکیت ایران بر منابع نفتی خود به طور کامل تحقق نیافته بود.

بازگشت خارجیان و تشکیل کنسرسیوم ۱۳۳۰

آنچه نگاشته شد مروری بود بر مهمترین وقایع منجر به ملی شدن صنعت نفت ایران که بیشتر تلاش فعالان حوزه قانونگذاری و دولتمردان و نخبگان جامعه را در برمی گرفت؛ اما حقیقت این است که صنعت بزرگ نفت در فرایندی طولانی با گذر از پیچ و خم ها و فراز و نشیب های بسیار گریبان خود را از دست بیگانگان به در آورده و پس از افت و خیز بسیار سایه سنگین خارجی ها را از سر خود کم کرده است. این مساله ساده ای نیست که تا زمان ملی شدن صنعت نفت تعداد کارمندان عالی رتبه ایرانی در تمام مناطق نفت خیز و ادارات شرکت نفت از ۳۰ نفر تجاوز نمی کرده است؛ با این وصف باید ملی شدن صنعت نفت را به عنوان یک نقطه آغاز برای بومی شدن این صنعت پیچیده در نظر گرفت. صنعتی که تماماً وارداتی بود. نفت و یکسره شدن کار کمپانی نفت ایران و انگلیس پایان نمی باید و بعد از این واقعه باز حضور خواهران نفتی و تشکیل کنسرسیومی جدید را در تاریخ هفتم آبان ماه ۱۳۳۳ شاهد هستیم؛ در این تاریخ قراردادی بین دولت ایران از یک سو و کنسرسیومی از شرکتهای صاحب نام نفتی منعقد شد. شرکتهای عضو کنسرسیوم نفت ایران دو شرکت به نام های «شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران» و «شرکت سهامی تصفیه نفت ایران» تشکیل دادند که روی هم «شرکتهای عامل نفت ایران» نامیده می شد. این دو شرکت به ترتیب اختیار اکتشاف و تولید نفت خام و گاز طبیعی در حوزه معینی در جنوب ایران به نام «حوزه قرارداد» و تصفیه نفت خام و گاز حاصله را عهده دار بودند. شرکتهای عامل نفت ایران طبق قوانین کشور هلند تشکیل شده و در ایران به ثبت رسیده بودند. هریک از شرکتهای عضو کنسرسیوم نفت ایران یک شرکت بازرگانی تاسیس کرده و در ایران به ثبت رسانده بودند که منفرداً و مجزاً از یکدیگر عمل کرده و نفت خام و گاز طبیعی حاصل از حوزه قرارداد را از شرکت ملی نفت ایران خریداری کرده و به خارج از کشور صادر می کردند. این شرکتهای بازرگانی همچنین بخشی از نفت خام خریداری شده

وقوع انقلاب اسلامی و اعتصابات گسترده در صنعت نفت

بود که شر برخی مدیران خارجی را که بی اعتنا به اوضاع کلی کشور و خواسته مردم، برای پایان دادن به اعتصابات و برگرداندن اجباری کارکنان به تاسیسات می کوشیدند، از سر اعتصابیون کم کند. در این مقطع از انقلاب نیروها و تشکل های سیاسی فعال که تا این زمان؛ دورادور مراقب وضعیت اعتصابیون بودند، لازم دانستند که در چند مورد مستقیماً وارد عمل شوند از جمله در برخورد با برخی مدیران شرکت خاص خدمات نفت ایران که بی توجه به اوضاع جاری و خواست عموم، همچنان بر طبل تولید و صدور نفت می کوبیدند. باری اختلافات که بالا گرفت یکی دو تن از مدیران ارشد و میانی نفت جنوب جان بر سر لجاجت خود نهاده و از میان رفتند. در ششم دی ماه ۵۷ درست در زمانی که سران کشورهای غربی و آمریکا در گوادلوپ گرد هم آمده، اجلاس فشرده‌ای را در باب اوضاع ایران پی می گرفتند، انتشار یک خبر تکان دهنده در رسانه ها، سران دنیای صنعتی را شگفت زده کرد: "امروز صادرات نفت ایران بکلی قطع شد!"

خروج خارجیان و راهبری صنعت نفت توسط متخصصان ایرانی

سرانجام اختیار امور تاسیسات نفتی به دست کارکنان ایرانی افتاد و خارجی ها برای دومین بار در تاریخ صنعت نفت مهیای رفتن شدند. در مناطق خارجی نشین اهواز، آبادان و سایر مناطق، کارشناسان آمریکایی و اروپایی با شتاب هرچه تمام بخشی از اموال، اثاثیه شخصی و اتومبیل های خود را به حراج گذاشته و خانه و باغ ها را رها نموده و مناطق نفت خیز را ترک می کردند. آنان اما با توجه به وضعیت اداره و راهبری صنعت نفت ایران که به نظر می رسید بدون حضور خارجیان سامان نخواهد یافت، تصویری کردند این اتفاق نیز چیزی شبیه جریان خلع ید و خروج یکباره انگلیسی هاست که بتدریج فرو کش نموده و آنان بزودی باز خواهند گشت. فرودگاه اهواز که زمانی ورود به موقع کارشناسان خارجی را تسهیل می کرد، اکنون در آخرین روزهای مانده به پیروزی انقلاب اسلامی، با پروازهای پی درپی، خروج ناگهانی آنان را سرعت می بخشید؛ در آستانه در ورودی فرودگاه، یک مهندس میانسال آمریکایی در حالی که چمدانش را پشت سر می کشید، روبه یکی از کارمندان ایرانی، گفت: دوباره می بینمت دوست عزیز! ما زود بر می گردیم! و او بی درنگ پاسخ داد: نه این بار نه بعید است دوباره برگردید!

شعله های خشم مردم از دستگاه حکومت پهلوی بتدریج تمام کشور را در بر می گرفت. نفت، صنعت مادر و اصلی ترین شریان اقتصادی کشور بیش از این نمی توانست نظاره گر حضور بیگانه و تحمل تحقیر دیرپایی باشد که از ابتدای قرارداد داری بر نیروهای بومی روا داشته می شد. سرانجام در آبان ماه ۵۷ نخستین جرعه اعتصابات در مناطق نفت خیز جنوب زده شد و در یک اقدام نسبتاً هماهنگ، گروههای کارگری دست از کار کشیدند. بتدریج دامنه اعتصابات به شرکت خاص خدمات نفت ایران (OSCO) نیز که در اختیار خارجی ها بوده و عملیات تولید را راهبری می کرد، کشیده شد. گروههای منسجم کارگری و کارمندی چند نقطه از منطقه شرکتی نیوسایت از جمله ساختمان مرکزی شرکت نفت در اهواز موسوم به دوطبقه را محل تجمع خود قرار داده و ظهرها به نماز جماعت می ایستادند تا بر نگرانی روز افزون چشم آبی ها که از پس پنجره های نیمه باز دفاتر خود، به این تجمعات روز افزون می نگریستند، بیفزایند.

به سرعت دامنه اعتصابات گسترده شد، آبادان که مثل همیشه پیشگام بود و گچساران و خارک و مارون و آغاچاری و مسجدسلیمان و هفتکل؛ هفت اقلیم نفت ایران تصمیم تاریخی خود را گرفته بودند. کارکنان پالایشگاه تهران نیز که در مرکز حوادث انقلاب بودند. در جنوب اما کار به همین سادگی ها نبود؛ کارکنان ایرانی که در طول سالهای بعداز ملی شدن نفت بتدریج بر تعدادشان افزوده شده و بجز راهبری عملیات و مدیریت میدانهای نفتی، تقریباً بر تمام امور راه اندازی و نگهداشت تاسیسات اشراف داشتند، اکنون دست از کار کشیده و به صفوف متراکم مردم و انقلاب پیوسته اند. لذا ماموران امنیتی تلاش مضاعفی برای برگرداندن نیروهای گریزی پای نفت آغاز کردند و فشارها از هرسو بر اعتصاب کنندگان فزونی می گرفت. بستن شیرهای نفت اوضاع را بکلی دگرگون کرده و انقلاب را به پیروزی نزدیک ساخته بود؛ موقعیت دشواری بود و بیم آن می رفت که رژیم با شکستن اعتصابات و از سر گیری صادرات نفت جانی تازه گرفته و روحیه انقلابیون را نیز خدشه دار سازد. کارکنان نفت جنوب تا این زمان به هر دردسری که بود در برابر فشارهای مختلفی که از بیرون صنعت وارد می شد، دوام آورده و به اعتصاب خود ادامه می دادند اما یک نیروی قاهره ای نیاز



جوان و رسالت خانواده

قسمت دوم

«بررسی عقده حقارت»

در شماره قبل پیرامون روشهای برخورد با نیازهای عاطفی و روحی جوانان مطالبی را بیان کردیم و به اینجا رسیدیم که احترام به شخصیت جوان و توجه به نظرات او از عوامل رشد اجتماعی و تکامل اوست. و باز گفتیم پدران و مادرانی که جوانانشان را به حساب نمی آورند و آنها را همچون کودکان چند سال قبل می دانند و اجازه دخالت و اظهارنظر در امور را به آنها نمی دهند، باعث ایجاد عقده حقارت و خودکم بینی آنها می شوند. در این شماره پیرامون شکل گیری ارزشهای اجتماعی در جوانان و زمینه های رشد عقده حقارت در آنها، سخن خواهیم گفت.

شخصیت جوان بنا به نقل و انتقالات محیط اطرافش، و علاقه های فطری و غریزی و شرایط و روحیات اطرافیانش، شکل می گیرد. بعضی از جوانان روحیه مذهبی دارند و بعضی تیپ سیاسی، بعضی اجتماعی و مردم گرا هستند و بعضی دیگر اقتصادی و بازاری، بعضی تیپ نظری و علمی دارند و بعضی دیگر غریزه زیباپسندی و اخلاقی. از این رو جوان سعی می کند تا با الهام از محیط اطرافش شخصیت خود را با یکی از این ارزشها وفق دهد و خود را مطابق آن تربیت کند.

آن گونه که در بحث تعلیم و تربیت آمده است باید جوانان و فرزندان را در انتخاب راه و شغل آزاد گذاشت و آنان را در مسیر مورد علاقه خودشان هدایت و ارشاد نمود.

«در جامعه دو دسته ارزش جریان دارد: یکی ارزشهای سنتی و دیگری ارزشهای پیش بینی نشده. ارزشهای سنتی به وسیله فرهنگ یک جامعه منتقل می شود و ارزشهای پیش بینی نشده قبلاً وجود نداشته و مقتضیات زمان آنها را برای فرد، جالب و دارای کشش نموده است. جوانان معمولاً به سمت ارزشهای پیش بینی نشده می روند و همین امر باعث برخورد آنان با بزرگسالان و والدین که نماینده ارزشهای سنتی هستند، می شود و در برخی موارد به مشاجره می انجامد و حتی به کناره گیری و فرار از خانه منتهی می شود.»^(۱)

جوانان را نمی توان به آدابی که والدین به آن خو گرفته اند، مجبور کرد زیرا در زمان آنها دیدگاهها، علم، ابزار علمی و ... تغییر کرده است، و آنها به گونه ای دیگر می اندیشند.

علی(ع) می فرماید:

«النَّاسُ بِزَمَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْ آبَائِهِمْ»^(۲)

شباهت مردم به زمانه خودشان بیش از شباهتشان به پدرانشان است.

طبیع جوان نوحواست و به هر چیز تازه علاقه دارد و به دنبال افکار و نظریه ها و مدهای جدید می رود، می خواهد با الفاظ نو حرف بزند و به سبک نو بنویسد، مایل است کفش و دوخت لباسش، ساختمان و آرایش مویش همگی مطابق روز باشد.

عقده حقارت

یکی از آثار سوء تربیت، پدید آمدن عقده حقارت است. کسانی که به این حالت روانی گرفتارند و در خویشتن احساس یک نوع پستی می کنند، همواره پریشان خاطر و مضطربند. برای «عقده» تعریفهایی ذکر شده است که برخی از آنها عبارت است:

۱- عقده، یعنی گره.

۲- عقده، یعنی ناراحتیهای روانی و فکری و رنجهای حاصل از امیال سر کوفته.

۳- عقده حقارت، یعنی ناراحتیهای روحی و رنجهایی که بر اثر لطمه خوردنهای متوالی به شخصیت افراد، و مورد حقارت و استهزاء واقع شدن آنها عارض می گردد.

از تعریفهایی که گذشت می توان عامل عقده حقارت را در سرکوفتگی امیال و ناتوانی در برآوردن و ارضاء آنها جستجو کرد. جوانی که امیالش به طور مشروع و صحیح تأمین نشده، خود را شکست خورده می بیند به طوری که آثار آن در رفتار و گفتارش ظاهر می شود.

بسیاری از خودخواهیها، تکبرها، انتقام گرفتنها، پرخاشگریها، گوشه نشینی و یا خودنماییهای زنانه و مردانه، اهانتها، عقب نشینیها، افت تحصیلی و کینه توزیها، کمروییها از احساس حقارت سرچشمه می گیرند.

امام صادق(ع) می فرماید:

«مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِدَلَّةٍ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ»^(۳)





و به موقع و صحیح امیال فردی و اجتماعی مناسب حال و موقعیت خود بپردازند. آنها را باید از آسیبها و خطرات به دور داشت اما نه به این معنا که به محاصره و بندشان کشید بلکه راهنمایی و ارشادشان نمود. آنها را به اندک کاری که خلاف میل ما انجام می دهند و یا به اندک اشتباهی که می کنند به باد سرزنش و حمله نگیریم بلکه با آرامش و عاطفه و با دلیل و منطق آنها را متوجه خطایشان کنیم تا خودشان با علاقه، رفتارشان را اصلاح کنند.

شما ممکن است هر روحیه ای را که در فرزندتان می پسندید، از خود بدانید و هر چه را که نپسندیدید از محیط و دوستان و یا دست تقدیر و خواست خدا، غافل از اینکه فرزند شما نخستین نگاه را به شما می اندازد، و بررسی و ارزیابیهای او از شما شروع می شود و به اعمال و اخلاق و روان شما چشم می دوزد. و تمام حرکات و رفتار شما او را تحت تأثیر قرار می دهند.

یکی دیگر از عوامل احساس حقارت نامگذاری هایی است که در جوانانی موجب سرخوردگی خواهد بود. دختر و پسری که نامش برای خودش نامفهوم باشد و مورد تمسخر دیگران قرار گیرد بتدریج از آن نام متنفر شده، علاوه بر گوشه گیری از جامعه، مرتکب گناهی همچون دروغ و بدبینی به دیگران می شود.

«هیچ انسانی به تکبر و جباریت آلوده نمی گردد مگر به سبب ذلت و حقارتی است که در ضمیر خود احساس می کند.»

عقده حقارت شامل تمام مشخصاتی می شود که مظهر عدم اعتماد به نفس، حس شکست نفسی، عدم شایستگی و فقدان اراده هستند.

در اینجا طرح این سؤال جا دارد که چرا عده ای این گونه می شوند؟ عامل ایجاد عقده حقارت چیست؟ و برای درمان آن چه باید کرد؟

از آنجا که جوانان زمینه هر گونه تربیت و شکل پذیری را دارند، رفتار اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی پدر و مادر در آنها اثر گذارده و موجب صلاح یا انحراف آنها می شود. پدران خودخواه که آرامش و سکوت خانه را به خاطر خود می دهند و به هیچ یک از اعضای خانواده اجازه انتقاد و اظهار نظر نمی دهند و نیازهای اولیه مادی آنها را به طور متفاوت و معتدل تأمین نمی کنند، موجب احساس حقارت جوانان خویش می شوند.

برای پیشگیری از عقده ها باید از سرکوفتگی امیال جلوگیری کرد، نباید جوانان را مسخره و تحقیر و اهانت نمود، از سلب آزادیها و سلب حقوق طبیعی فردی و اجتماعی آنها باید پرهیز نمود و باید گذاشت جوانان به ارضاء به جا